متهم کردن

متهم كردن شخصی به كاری مقصر دانستن وی برای انجام این كار است.

او برادرش را به شکستن رایانه خود متهم کرد.

تنظیم کردن

تنظیم چیزی به معنای تغییر آن برای بهتر شدن است.

او گیتار قدیمی را تنظیم کرد تا صدای آن بهتر شود.

سرگرم کردن

سرگرم کردن کسی به معنای انجام کاری خنده دار یا سرگرم کننده است.

خواننده خیلی خوبی بود. او جمعیت را سرگرم کرد.

مرجان

مرجان ماده ای سخت و رنگارنگ است که از پوسته حیوانات تشکیل می شود.

غواص مرجان زیبای زیر آب را تحسین کرد.

پنبه

پنبه پارچه ای است که از الیاف گیاه پنبه ساخته می شود.

من دوست دارم لباس های ساخته شده از پنبه را در تابستان بپوشم.

تصادف کردن

تصادف به معنای ضربه زدن و شکستن چیزی است.

هنگام برخورد اتومبیل با درخت صدای زیادی بلند شد.

عرشه

عرشه کف چوبی است که در خارج از خانه یا کف کشتی ساخته شده است.

یک کشتی لوازم زیادی را در زیر عرشه خود ذخیره خواهد کرد.

درگیر شدن

درگیر شدن در کاری به معنای انجام آن است.

بابا مشغول اره زدن یک تکه چوب از وسط بود.

محکم

وقتی چیزی محکم است ، محکم است اما خیلی هم سخت نیست.

او روی تخت محکم بهتر می خوابد.

سوخت

سوخت چیزی است که گرما یا انرژی ایجاد می کند.

گرما سوختی است که از آتش می آید.

بزرگ

وقتی چیزی بزرگ است ، بزرگ و مورد پسند مردم است.

کوه بزرگ به آسمان بلند شد.

طوفان دریایی

طوفان دریایی طوفان بدی است که بر فراز اقیانوس اتفاق می افتد.

باد طوفان دریایی درخت خرما را خم کرد.

ضرر - زیان

ضرر به معنای عمل یا مصداق از دست دادن چیزی است.

در حالی که قمار بازی می کردم ضرر بزرگی متحمل شدم.

ساده

اگر چیزی ساده باشد ، ساده است و تزئین نشده است.

او آخر هفته یک جفت کفش سفید ساده خریداری کرد.

تپه دریایی

صخره به گروهی از سنگها یا مرجانها گفته می شود که به نزدیک اقیانوس می خزند.

او در امتداد صخره پیاده روی کرد و به زیراب نگاه کرد.

بستن

بستن چیزی به معنای محکم بستن آن است.

لطفا در را ببندید. هوای بیرون سرد است

سخت گیر

وقتی کسی سختگیر است ، مطمئن می شود دیگران از قوانین پیروی می کنند.

معلم سخت گیر است. او اجازه نمی دهد دانش آموزان در کلاس صحبت کنند.

موج سواری

موج سواری یعنی استفاده از تخته مخصوص برای سوار شدن روی امواج در اقیانوس.

دانش آموزان در طول تعطیلات خود برای گشت و گذار به ساحل می رفتند.

وظیفه

وظیفه قسمتی از کار است که باید انجام شود که معمولاً دشوار است.

وظیفه من برای آخر هفته تمیز کردن کل حیاط پشتی بود.

منطقه

منطقه به ناحیه ای گفته می شود که کیفیت های متفاوتی با خصوصیات اطراف خود داشته باشد.

آتش نشانان اغلب در مناطق خطرناک کار می کنند.

یک بار دو کشتی بود. هر دو کشتی پنبه حمل می کردند. کاپیتان ها بسیار متفاوت بودند. توماس سختگیر بود. او خدمه خود را به انجام کارهای دشوار واداشت. "اطمینان حاصل کنید که عرشه کشتی محکم است و هیچ چیز سقوط نمی کند! سوخت بیشتری در باک بگذارید! " او گفت. کشتی او بسیار ساده بود اما هیچ وقت با آن مشکلی نداشت.

کاپیتان دوم ، ویلیام ، جدی نبود. او کشتی بزرگی داشت و عاشق تفریح ​​بود. خدمه او با آواز و رقص او را سرگرم کردند. اما خدمه او هرگز چیزی را روی کشتی تعمیرنکردند. آنها فقط می خواستند موج سواری کنند.

یک روز ، توماس طوفانی را پیش رو دید. او می دانست که کشتی اش باید برگردد. اما مطمئن بود ویلیام طوفان را ندیده است. او شماره های رادیو را تنظیم کرد و با دوست خود تماس گرفت. توماس گفت: "شما به صخره برخورد خواهید کرد. کاملاً از مرجان ساخته شده است. برگردید تا اطمینان حاصل کنید که تصادف نمی کنید. "

ویلیام گفت ، "ما به زیر عرشه می رویم و در را می بندیم. ما خواهیم رقصید و آواز می خوانیم تا جایی که از منطقه خطر عبور کنیم. "

وقتی کشتی ویلیام به توفان رسید ، باد آن را به صخره فرو برد. کشتی سقوط کرد و آب در زیر عرشه جاری شد. خدمه ویلیام وی را به کاپیتانی بد بودن متهم کردند. از دست دادن کشتی به ویلیام درس داد. زمان هایی برای سرگرمی وجود دارد ، اما در برخی مواقع جدی بودن نیز وجود دارد.